

## عدالت در روابط بین المللی قراردادی حکومت اسلامی از منظر قرآن<sup>۱</sup>

سید حمید جزائری

(عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

حمید رضا طوسی

(عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

### چکیده:

تبیین مناسب رابطه میان ارزش ها و قواعد نظام حقوق معاهدات بویژه قاعده وفای به عهد(بنیان اصلی این نظام حقوقی) چالش بزرگ نظام بین الملل حقوق معاهدات است. زیرا با توجه به درج ارزش حقوقی «عدالت» در مقررات بین المللی (عهدنامه ۱۹۶۹ وین) از یکسو و حاکمیت نظریه پوزیتیویستی(مبتنی بر نظریه جدایی ارزش و قواعد) در اسناد و رویه قضایی بین المللی از سوی دیگر، سنجش اعتبار قاعده وفای به عهد و تعیین حقوق و تکالیف دولت ها در روابط بین الملل را به معضل سترگی تبدیل کرده است.

بنیان این چالش به تعیین رابطه منطقی میان ارزش ها و قواعد است که تنها با بهره گیری از آموزه های قرآن کریم می توان به آن دست یافت. بر همین اساس در نوشتار حاضر بر اساس روش تحلیلی - تطبیقی مبنای وحیانی و مناسب در آمیختگی ارزش عدالت و قاعده وفای به عهد در نظام حقوق معاهدات تشریح و تأثیر گذاری این ارزش بر اجرای «قاعده وفای به عهد» تبیین گردیده است.

کلید واژگان: نظریه قرآنی، روابط بین المللی قراردادی ، نظریه پوزیتیویسم، ارزش عدالت، اخلاق

قاعده وفای به عهد

## بیان مسئله

حقوق پدیده ای هنجاری است و حق و تکلیف را معین می دارد تا رفتارهای اجتماعی انسان (فردی یا جمعی) تنظیم یابد. رابطه اخلاق و قواعد در مباحث فلسفه حقوق از بنیانی ترین پرسش هاست. (Finnis ۲۰۱۴:۶۹) چنان که در رویکرد توجیهی - هنجاری بر نظریه مشروعیت اخلاقی حقوق می پردازد. (ابدالی ۱۳۸۹: ۴)

از سوی دیگر نظام حقوق معاهدات در انشای مقررات خود از همراهی اخلاق با قواعد غفلت نکرده است. و برای اجرای قواعد بین المللی نهادی به نام «اصول کلی حقوقی» در کنار دو منبع معاهدات و عرف بین الملل، را در نظر داشته است. دو اصل کلی عدالت و حسن نیت با قاعده «وفای به عهد» در عهدنامه ۱۹۶۹ وین (مستند نظام حقوق معاهدات) است. البته در این عهدنامه به جز دو مورد (مقدمه و بند ۳ ماده ۴۴)، کلمه «عدالت» به کار نرفته است.

با این همه در «عهدنامه وین» تمامی مقررات محدود به اجرا و تفسیر قاعده «وفای به عهد» است.

عدالت در روابط  
بین المللی قراردادی  
حکومت اسلامی  
از منظر قرآن

(Crawford, Olleson ۲۰۰۰: ۵۹) گو این که در نظام کنونی حقوق معاهدات (مقررات اسناد بین المللی، رویه سازمان ملل متحد و دکتین) بر اساس «نظریه حقوقی اثباتی»، اجرا و تفسیر می گردد.

(Baderin ۲۰۰۹:۱۶۸) اما این نظریه حقوقی رابطه ارزش ها از جمله «عدالت» با قاعده لزوم را نفی می نماید و این ارزش حقوقی را بی محتوا قلمداد می کند.

از سوی این دیدگاه حقوقی که ادعا دارد که تشریح قواعد «دینی» از جمله اسلام، فارغ از واقعیت های اجتماعی بشر و مصالح دنیوی (Evans ۲۰۰۵:۲) است، خود با چالش تفسیر مفهوم عدالت مندرج در عهدنامه، رو برو گردیده است. حال در این مقاله درصدد یافتن پاسخ از آموزه های قرآن کریم، بنیادی ترین منبع روابط خارجی مقررات حکومت اسلامی برای این چالش هستیم.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- اصول کلی حقوقی

در هر نظام حقوقی اقدام به وضع قواعد بر اساس ارزش‌ها و معیارهای مطلوبی انجام می‌گیرد که مفاهیمی با عنوان «اصول کلی حقوقی» بازگو کننده آنها می‌باشد. (بولانژه ۱۳۷۶: ۷۳-۷۴) بنابر تحلیل صحیح ماهیت این منبع عبارت از گنجاندن ملاحظات اخلاقی از طریق تبدیل به اصول کلی حقوقی در حقوق بین الملل است. (قربان نیا: ۱۳۷۶-۷۷: ۳۸۷, Bin Cheng, ۱۹۵۳: ۲۴)

اصول کلی حقوقی در هر نظام حقوقی از دو نقش برخوردار است: توجیه کنندگی قواعد حقوقی و معین کردن مرزها (نقش سلبی). (حکمت نیا ۱۳۹۰: ۱۵) به عبارت روشن تر اصل کلی حقوقی در منزلت معیار سنجش قواعد قرار می‌گیرند و مشروعیت محتوای هر قاعده حقوقی را مشخص می‌کنند.

### ۱-۲- قواعد اولی و ثانوی

«قواعد ابتدایی» از نظر پوزیتویسم جدید، قواعدی می‌باشند که نقش تعیین تکالیف را به صورت مستقیم را به عهده دارند و هدف آنها، تنظیم رفتار افراد در اوضاع و احوال مختلف است.. (Hart ۱۹۹۴: ۷۹-۹۴ موحد، ۱۳۸۱: ۲۵۹)

«قواعد ثانوی همان قواعدی هستند که در تعیین پیامدهای ناشی از ناکامی در اجرای کامل تعهدات ایجاد شده بوسیله قواعد اولیه عمل می‌کنند.» (ILC ۱۹۷۰: ۱۷۹) این قواعد در تعیین پیامدهای ناشی از ناکامی در اجرای کامل تعهدات ایجاد شده بوسیله قواعد اولیه عمل می‌کنند. (Gourgourinis ۲۰۱۱: ۱۰۱)

### ۱-۳- «عدالت مبادله ای»

«عدالت مبادله ای» (Commutative Justice)، قسمی از عدالت موسوم به «عدالت صوری» (formal) است که در تقابل با نوع دیگر مشهور به «عدالت ماهوی» (substantive) قرار دارد. در این گونه عدالت احکام و شرایط مبادله منصفانه در قراردادهای توصیف می‌گردد. به عبارت دیگر قسم نخست (عدالت صوری) به معنای حکومت یکسان قواعد بر هر گونه موقعیت و

شخص با فقدان تبعیض و نابرابری، بدون توجه به درستی یا نادرستی مفاد آن است ولی قسم دوم معیارهای عدالت را با توجه به مضمون (نیاز- حق- شایستگی) در نظر می‌گیرد. (قربان نیا، ۱۳۸۱: ۶۷).

حال اگر این فرض راست باشد که مفهوم برابری پیوندی تنگاتنگ با عدالت داشته باشد و در هر تعریفی از عدالت عنصری کلیدی لحاظ گردد. (سید قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۴۶) این همان تعریف ارسطویی از عدالت است که در شرایط برابر با برابرها رفتار برابر داشته باشیم. (p. ۱۱۲-۱۷, ۱۱۳۱a-۱۱۳۱b: ACKRILL, URMSON, ۱۹۸۰)

به عبارت دیگر داوری‌ها در مورد عدالت گاهی با در نظر گرفتن به معیارها و اصولی صورت می‌گیرد که حیثیتی شکلی دارند که وجود آنها و رعایتش شرط لازم برای عادلانه بودن است. زیرا «همه انسان‌ها گمان می‌کنند که عدالت باید مدعی برابری باشد ... زیرا می‌گویند امور، برای برابرها باید برابر باشد.» (لگنهاوزن ۱۳۷۴: ۱۲) به هر حال در تعریف عدالت به برابری، برابر داشتن بدون توجه به مضمون (نیاز- حق- شایستگی) کفایت می‌کند. (سید قاری سید فاطمی پیشین: ۲۴۷، قربان نیا پیشین: ۶۷)

## ۲- رابطه ارزش‌ها و قاعده حقوقی وفای به عهد

تلاش انسان‌ها در جهت رسیدن به ارزش‌های حقوقی که با اخلاق مرتب‌تند (فلسفی ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ۸) زمینه را برای پیدایش بایدها و نبایدهای عملی که منشا آنها دین و یا عقل است را فراهم می‌سازد. (شهابی، نیکویی ۱۳۹۱: ۱۰۶)

پوزیتویسم تاثیر گذارترین مکتب فلسفی حقوق بین الملل: Ratner & Slaughter ۱۹۹۹: (۲۹۳) بر این رای است که نه ارزش‌ها بلکه تنها «واقعیت‌های اجتماعی»، عنصر تعیین کننده اعتبار قواعد حقوقی هستند. (Shapiro ۲۰۱۰: ۲۶) البته با وجود عدم توافق در چیستی «واقعیت‌های اجتماعی»، دو رویکرد متفاوت در تحلیل مبنای فلسفی قواعد بین المللی در کار است: یکی سستی و دیگری معاصر.

در رهیافت نخست مشهور به «اراده گرایی» (Voluntarism) رضایت فردی و یا مشترک دولت‌ها، تنها مبنای اعتبار قواعد حقوقیست. (پ ۹۷۱-۹۷۰: Payandeh ۲۰۱۱) در نظریه

هنجارگرایی کلسن که هنجار برتر (Grundnorm) را ملاک اعتبار قواعد می داند، Payandeh (op cit: ۹۷۱) «ارزش» عدالت را غیر قابل تجربه و مفهومی مبهم می انگارد. Kelsen (۱۹۵۷:۷)

اما واقعیت اجتماعی در پوزیتیویسم معاصر، قراردادهای اجتماعی هستند که راههای ایجاد اصلاح و ابطال معیارهای حقوقی را فراهم می کنند (Hart Ibid:۴۴) این قرارداد اجتماعی قواعد «ثانوی» نام دارد.

این دیدگاه در سطح حقوق بین الملل معاهدات، بر تطبیق و بسطی که نظریه پردازان داشته اند،

(Dupuy ۱۹۹۹:۱۹۳) بیان می دارد که قواعد ثانوی بین المللی (به مثابه قراردادی اجتماعی)

به جای ملاک ارزش های حقوقی عمل می کنند. (Bassiouni ۱۹۸۹-۱۹۹۰: ۷۸۵)

روشن است در این تحلیل نیز، ارجاع تمام هنجارهای حقوقی به ماهیت اخلاقی به عنوان یک قید مشروعیت بخش قابل قبول نیست. (Mitrophanous ۱۹۹۷:۶۲۴-۶۲۵) به عبارت دیگر

مؤلفه ای مانند عدالت در شکل دادن به ماهیت قواعد بین المللی ضروری نیست. Capps (۲۰۰۱:۱۰۰۳)

زیرا نظام حقوق بین الملل از جمله حقوق معاهدات تنها بر اساس «رضایت» دولت ها موجودیت یافته است. (Kingsbury ۲۰۰۹:۲۸) و خصلتی بنیادین روابط میان تابعان این نظام حقوقی خصلتی قراردادی دارد، وجود ارزش های مطلق جهانی در حقوق بین الملل تردید می یابد (Kennedy, ۱۹۹۴:۳۷۰)

در قسمت های بعدی مبانی این نظریه را گسترده تر بررسی خواهیم کرد.

در دیدگاه قرآنی نیز اجرای عادلانه قاعده وفای به عهد در روابط اجتماعی انسان ها تشریح گردیده است. در این کتاب آسمانی تعلیل نیاز انسان ها در زندگی اجتماعی به حقوق بر اساس ضرورت های اجتماعی با تاکید بر عنصر اختلاف مورد تاکید قرار می گیرد.

زیرا از اهداف رسالت انبیا رفع همین اختلاف میان مردم است. چنان که مفاد آیه ۲۱۳/بقره  
«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ  
الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَبِعَثَّ اللَّهُ النَّبِيِّينَ  
مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» بر این امر دلالت  
دارد.

توضیح این که بنابر نظریه قرآنی «استخدام متقابل» (مشابهت انسان ها در منفعت طلبی و  
بهره بردن از یکدیگر) روابط اجتماعی اعتبار می گردد. بنابر این تحلیل، مضمون عدالت  
اجتماعی، «استخدام متقابل» است که مضمون و عمل به آن قراردادی اجتماعی  
است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲: ۱۱۶، یزدانی مقدم ۱۳۸۹: ۷۳) از همین رو قراردادهای خرد (عقود  
حقوق داخلی) و کلان (معاهدات بین المللی) مصادیقی از آن قرارداد اجتماعی کلی هستند.

طبق این نظریه، اخلاق نیز برای حقوق ضرورت دارند. زیرا از نگاه اسلام «حقوق زمانی  
ابزار سعادت انسان اخلاق کریمه نگاهبان آن باشد...» (طباطبایی پیشین، ۱: ۱۵۵) همچنین  
درک بسیاری از مصادیق و جزئیات احکام اخلاقی وابسته به آموزه های دینی است. (خسروپناه  
۱۳۹۱: ۵۱) بر همین اساس یکی از کارکردهای دین، تبیین ارزش های اخلاقی و رفتاری  
می باشد. (مصباح یزدی ۱۳۸۷: ۳۴)

البته به یاد داشته باشیم که در آیات متعددی در حوزه وفای به عهد از نظر مفسران بسیاری  
از آیات شمول معنایی دارند و بر روابط قراردادی کشورها دلالت می کنند.

چنان که در آیه ۳۴/اسراء «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» شامل ترین آیه در بحث  
معاملات، (مقدس اردبیلی ۱۴۰۳، ۱: ۴۹۵) بر روابط قراردادی کشورها حاکم است.  
(طبری ۱۴۱۲، ۱۵: ۶۱)

علاوه بر این دلالت آیه ۲۰ / رعد «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» حتی کلمه  
«عهدالله» نیز شامل پیمان های میان مردم نیز می گردد. (زحیلی پیشین، ج ۱۳، ص ۱۵۲) این تفسیر  
در آیه نحل/ ۹۱ «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ لِلَّهِ...» نیز جاری است. (فاضل مقداد ۱۴۱۹، ۲: ۱۱۶،

جصاص ۱۴۰۵، ۳: ۲۸۲) البته این برداشت عام از سوی روایات نیز تایید گردیده است. (قمی ۱۳۶۷، ۱: ۱۶۰)

همچنین در آیه ۴ سوره توبه «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» «قاعده وفای به عهد» همراه با تعبیر اخلاقی «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به کار رفته است.

به یاد داشته باشیم که از نظر این کتاب آسمانی (وسنت نبوی) سیاست خارجی حکومت اسلامی (از جمله روابط قراردادی)، بر دو بنیاد اصلی توحیدمحوری و عدل محوری است. (جمشیدی کوزه‌گری ۱۳۹۵: ۱۶۷)

بنابر این روشن است که اجرای قاعده وفای به عهد در روابط بین الملل همانند حقوق داخلی همواره آمیخته به ارزش عدالت تشریح گردد. این ویژگی را می توان در آیه هود/ ۸۵ «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ بَيْنَ يَدَيْكُمْ ذِكْرٌ لَّكُم يَوْمَ تَأْتِي سَائِرُ الْقُرُونِ بِالْأَقْسَامِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» با کاربرد واژه قسط مشاهده کرد.

همچنین در آیات شعراء/ ۱۸۳ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» و آیه ۳۵ سوره اسراء «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» دو واژه «القسطاس» و «مستقیم» نیز برای بیان مفهوم عدالت به معنای برابری به کار رفته اند. (به ترتیب در مورد واژه نخست: ثعلبی نیشابوری ۱۴۲۲، ۶: ۹۸ بغدادی ۱۴۱۵، ۳: ۱۲۹ و در مورد واژه دوم: فیضی ۱۴۱۷، ۳: ۳۰۸، ابن عجیبه ۱۴۱۹، ۳: ۱۹۸، بیضاوی ۱۴۱۸، ۳: ۲۵۵، شیخ علوان نخجوانی ۱۹۹۹، ۱: ۴۵۲) در بخش های بعدی کارکرد حقوقی حکم تشریح اجرای عادلانه قاعده وفای به عهد را تبیین خواهیم کرد.

### ۳- ارزش عدالت و اعتبار قاعده وفای به عهد

نقش اصول کلی حقوقی در مفهوم عام (ارزش های حقوقی ضروری برای اجرای قواعد) مانند موارد مشابه در حقوق داخلی، توجیه قواعد در نظام های حقوقی (حکمت نیا پیشین: ۱۵) خصوصاً سنجش قواعد مشروعیت محتوایی آنهاست.

با این همه در تفسیر حاکم حقوقی (پوزیتیویستی)، نظام حقوق معاهدات، تنها کارکرد اصول کلی حقوقی منبع قواعد است و نقش آن سامان دادن به روابط میان کشورها (مانند حل و فصل اختلافات) است. (Goldsmith, Posner ۲۰۰۵: ۹۵-۹۸)

زیرا در این نظریه، «اصول کلی» یا مبتنی بر مبنای حاکمیت اراده ناشی از حقوق داخلی اند. (Ellis ۲۰۱۱: ۹۵۳) و یا در نظریه پوزیتیویستی جدید که نظام حقوقی از جمله حقوق معاهدات را مجموعه روابط قواعد (اولی و ثانوی) می انگارد، اجرا و تفسیر قاعده وفای به عهد را مستغنی از این گونه اصول می پندارد.

بر همین اساس این دیدگاه حقوقی از اصل عدالت مندرج در عهدنامه وین نیز تفسیر متناسب با مبانی فکری خویش ارائه می دهد. مهم ترین تجلی مفهوم عدالت بر اساس عنصر «تبادل منافع متوازن» در عهدنامه وین بند یک ماده ۶۰ است. (Guzman ۲۰۰۸: ۱۷۲-۱۷۳)

بنابر این در ذیل ابتدا مبانی حقوقی این دیدگاه درباره اصل عدالت را واکاوی می کنیم و سپس دیدگاه قرآنی را جویا می گردیم.

### ۳-۱- تفسیر پوزیتیویستی

اثبات گرایی حقوقی جدید مدعی است که این تفاوت بنیادین را با مکتب ارادی حقوقی (Voluntarism) دارد که درصدد تبیین چرایی الزام آور بودن حقوق بین الملل و یا چرایی ملزم کردن تابعان توسط قواعد نیست. (Besson, & Tasioulas ۲۰۱۰: ۲۴۳)

همچنین آنها بر این رای می باشند که برخلاف مکتب کلاسیک پیشین که دیدگاه علمی در باب منابع حقوق بین الملل بودند و در نظریه حقوقی تلفیقی از اراده و رضایت دولت ها را ارائه می دادند، نظریه پردازی نکرده اند. (Kammerhofer, D'Apspremont ۲۰۱۳: ۴۵)

البته از یاد نبریم که دو مکتب ارادی و «اثبات گرایی حقوقی سستی» به خاطر این شباهت که هر دو اعتبار ماهیت نظام حقوق بین الملل را به اراده حاکمیت دولت ها پیوند می زدند، از سوی بسیاری از حقوقدانان یکی می باشند (Ranter, Slaughter, ۱۹۹۹: ۲۹۳)



با این همه با تفاوت در تفسیر «وقایع اجتماعی» از نظر جنلیک و تریبل «اراده دولت ها»، بنابر رای کلسن «قاعده بنیادین» و در دیدگاه هارت «قاعده شناسایی» (قاعده ثانوی) است.

در این دعوای علمی به طور حتم نیاز به تلفیق با دیگر رهیافت های حقوقی در کار است. چنان که طرفداران رضایت بر این نکته تأکید دارند که اعتبارسنجی منابع - به عبارت دقیق تر قواعد حقوقی - می تواند نقادی های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی باشد. (Kammerhofer, D'Apspremont op cit: ۱۴۷)

با این همه همان طور که پیش از این اشاره شد در بینش مکتب اثبات گرای حقوق که بر اساس آن واقعیت های اجتماعی، عنصر تعیین کننده اعتبار حقوقی هستند متضمن دو ادعای جداگانه است که آن ها را «برنهاد اجتماعی» و «برنهاد تفکیک» نامیده اند. «برنهاد اجتماع (Social Theses) مقرر می دارد که حقوق پدیده ای عمیقاً اجتماعی است و اعتبار حقوقی، ترکیبی از همین واقعیت های اجتماعی می باشد.

چنان که «طرفداران اولیه مکتب اثبات گرای حقوقی، این نظر هابز را دنبال می کردند که حقوق اساساً ابزار حاکمیت سیاسی است. آن ها عقیده داشتند که منشأ اصلی اعتبار حقوقی در واقعیت هایی است که حاکمیت سیاسی را بر پامی دارد. به نظر آن ها حقوق اساساً «فرمان حاکم» است.

اثبات گرایان بعدها این دیدگاه را تغییر دادند و تأکید کردند که قراردادهای اجتماعی اساس حقوق را تشکیل می دهد، نه واقعیت های مربوط به حاکمیت.» (ابدالی، پیشین: ۸)

در مکتب هارت، معیار اثبات حقوق دسته ای از قراردادهای اجتماعی - قواعد شناسایی - در نظر گرفته شد. این قواعد تعیین کننده واقعیت ها و رویدادهای معینی هستند که راه های ایجاد، اصلاح و ابطال معیارهای حقوق را فراهم می کند. به عنوان نمونه در حقوق داخلی عمل قانونگذاری یا تصمیم قضایی منابع قانونند و در تمام نظام های حقوقی نوین به نحو قراردادی تعیین شده اند.

در سطح حقوق بین الملل «رفتار اجتماعی» همان هایی است که حقوق بین الملل اجرا و تولید می کنند و با در کنار قرار گرفتن در کنار تئوری «برنهاد منابع» (The Source Thesis)

مسأله «اعتبارسنجی قواعد» از رفتارهای دولت‌ها ناشی می‌گردد و نه از ارزش‌های فرای رویه‌ی دولت‌ها و قواعد درون نظام حقوقی.

بر همین اساس در این خوانش جدید اثبات‌گرایی نیز، نه تنها برای «اصل عدالت» منزلت چندانی به مثابه ارزشی فرای رویه‌ی دولت و قواعد نمی‌توان یافت. بلکه در تحلیل آخر معیار اعتبار قواعد در قالب قاعده شناسایی نیز مبتنی بر رضایت دولت‌هاست.

حال با توجه به این که در حقوق بین الملل مفهوم ارزشی «عدالت» با توجه به عنصر «برابری» تجلی یافته است و عنصر اخیر عناوین متنوع بر خود گرفته است («اصل عدم مداخله» (۲۴۸: ۱۹۹۸) اصل منع استفاده از زور در روابط (ماده ۵۲ عهدنامه وین) و بالاخره اصل «تبادل منافع متوازن» (Reciprocity) این پرسش مطرح می‌گردد که بنابر تفسیر حقوقی چه توجیه حقوقی حاکم در کار است و با چه چالش‌هایی روبروست؟

اصل اخیر بیان می‌دارد که هر کشور در قبال هر امتیاز که از کشوری اخذ می‌کند، امتیازی مشابه به آن کشور اعطا می‌نماید. (فلسفی ۱۳۷۰: ۹۳) تقریر دیگر از این قاعده را می‌توان «تکلیف به ایفای تعهدات» نامید. بر اساس این مفهوم هر گاه یکی از طرفین به تعهد خود وفا کند و دیگری چنین نکند، عملاً برابری مخدوش گردیده و دولتی که به تعهد خود عمل نکرده است برتری یافته است. (فضائلی ۱۳۷۹: ۷۱)

برابری در عدم مقبولیت تعهدات ناشی از زور، صلاحیت برابر در انعقاد معاهدات و برابری بر اساس «تبادل منافع تقابلی» همگی بر وجود عدالت (تبادلی) در حقوق معاهدات تأکید می‌ورزند.

همان‌طور که اشاره کردیم مهم‌ترین تجلی مفهوم «تبادل منافع متوازن» در عهدنامه وین بند یک ماده ۶۰ است.

«نقض اساسی یک معاهده دو جانبه از سوی یکی از طرفین، طرف دیگر معاهده را مجاز می‌دارد تا به نقض مزبور به عنوان مبنای فسخ، یا تعلیق کامل یا بخشی از آن استناد نماید.»

عدالت تبادلی در این ماده به عدالت صوری تفسیر گردیده است. (Cullet ۱۹۹۹: ۵۵۴-۵۵۵)

چنان که معاهده «منع گسترش سلاح های هسته‌ای» با تقسیم دولت‌ها به دو گروه دارای سلاح های هسته‌ای و فاقد آنها، برای آنها تعهداتی نابرابر مقرر کرده است.

اگر عدالت مبادله‌ای با توجه به عنصر برابری در حقوق معاهدات به دو گونه تجلی بیابد: یکی برابری در انعقاد معاهدات و دیگری برابری در اجرای معاهدات. برابری اخیر در این دسته از معاهدات مفقود است. (بیگ زاده ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵: ۲۷۴) زیرا به ظرفیت ها و امکانات واقعی کشورها توجه نمی‌گردد.

قرینه اثبات کننده این ادعا آن است که در این ماده قرینه‌ای بر تناسب در اجرای نقض متقابل در کار نیست و موجب می‌گردد که پیامد نابرابری (نقض متقابل فزون تر از نقض ابتدایی) پابرجا بماند.

روشن است برای تحقق عدالت واقعی اعطای منافع و تحمیل تعهدات می‌بایست بر اساس رفتار متفاوت با توجه به توانایی های دولت ها در نظر گرفته شود. ICJ Reports ۱۹۹۶: ۳۰۶ (Cullet ۱۹۹۹: ۵۵۵)

علاوه بر این، مفاد ماده ۶۰ متقابل به طور کلی در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی (و نه در حوزه حقوق معاهدات) می‌گنجد. (U.N. Doc. ۱۹۸۶: ۷-۸) اما در تحلیل حقوقی پوزیتیویستی، قاعده اولی یا ثانوی بودن مفاد این ماده روشن نیست.

زیرا در این دیدگاه، قواعد حقوق معاهدات که حقوق و تعهدات دولت ها را روشن می‌سازند از حیث منطقی قواعد اولی هستند. قواعد حقوقی مانند قاعده مندرج در ماده مذکور قواعد ثانوی را تشکیل می‌دهند و در حوزه حقوق مسئولیت قرار می‌گیرند. قواعد اخیر زمانی اعمال و اجرا می‌شوند که قواعد اولی نقض شده باشند. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۵: ۲۶۹)

اما این تحلیل با مفاد ماده ۶۰ که حاوی پاره ای از قواعد مقابله کننده با نقض تعهدات است (سیفی ۱۳۷۳: ۲۵۵-۲۵۶) سازگار نیست. در این مقررات به دولت متضرر از نقض، حق فسخ معاهده و یا تعلیق اجرای تعهدات اعطا شده است. (قاعده‌ای ثانوی)

به نظر می رسد چالش پیش روی نظریه حقوقی حاکم تعیین معیارهای اعتبار قاعده وفای به عهد در روابط قراردادی دولت هاست که راه حل آن را بایستی از آموزه های قرآنی (مبنای مقررات عدالت محور روابط خارجی حکومت اسلامی) یافت.

### ۳-۲- دیدگاه قرآنی

در آیات قرآن کریم مفهوم عدالت که از گستره وسیع معنایی برخوردار است. (Bernstein ۲۰۰۹: ۶۷) و با برخورداری از ماهیتی انتزاعی و انضمامی موجب می گردد برای کشف مراد جدی دقت های ژرف در تحلیل موصوف آن (خداوند سبحان- انسان و...) توجه گردد. (محمدی: ۱۳۸۹)

چنان که آیات «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس / ۵۴) و یا «... وَنُضِعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» (انبیا/ ۴۷)، باری تعالی موصوف مفهوم عدالت است.

برای فهم بهتر دیدگاه قرآن درباره مفهوم عدالت در حوزه روابط قراردادی بین المللی ضروری است ابتدا با بررسی معنی شناسی مفهوم عدالت در این کتاب آسمانی پرداخته شود.

### ۳-۲-۱- معنی شناسی عدالت

مفهوم عدالت در کاربردهای قرآنی معانی متفاوتی دارد. یکی از مهم ترین کلمات قرآنی این مفهوم واژه عدل است که ۲۸ بار به کار رفته است. البته در تمام این موارد به یک معنا استعمال نگردیده است.

چنان که در آیات ۴۸ و ۱۲۳، سوره بقره، ۷۰ سوره انعام و ۹۵ سوره مائده که موضوع آنها بحث صحنه قیامت است، «عدل» به معنای عوض، فدیة و معادل می باشد.

«عدل» به معنای برابری یکی از مهم ترین تحلیل های لغوی است که برای مقایسه میان اشیاء به کار می رود. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۳۲۵؛ طریحی ۱۴۰۸، ۵: ۴۲۱؛ ابن فارس ۱۳۸۷، ۴: ۲۴۶-۲۴۷)

این مفهوم در حوزه قراردادی با کاربرد واژه های «عدل»، «سواء» «القسطاس» و «مستقیم» در این کتاب آسمانی بیان گردیده است. به عنوان نمونه کلمه القسطاس در آیه ۳۵ سوره اسراء آمده است: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» از نظر مفسران کلمه «القسطاس» مشتقی از واژه قسط به معنای عدل است. (ثعلبی نیشابوری پیشین، ۶: ۹۸، بغدادی، ۳: ۲۹) واژه مستقیم نیز به معنای عدل در مفهوم برابری است. (ابن عجبیه پیشین، ۳: ۱۹۸، بیضاوی پیشین، ۳: ۲۵۵، آل غازی، بیان المعانی پیشین، ۲: ۴۹۱، حقی برسوی پیشین، ۵: ۱۵۶، مظهری پیشین، ۵: ۴۳۹)

مفهوم «میانه روی در امور» بوسیله واژه های دیگری مثل «سواء» از ماده «سوی» در کاربرد قرآنی در حوزه روابط قراردادی بین المللی («وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» انفال/۵۸)) نیز به کار رفته است. (نوی جاوی ۱۴۱۷، ۱: ۳۳۰، میدی ۱۳۷۱، ۴: ۶۹، ابن کثیر ۱۴۱۹، ۴: ۷۰، مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳، ۲: ۱۲۳، ابوالفتح رازی ۱۴۰۸، ۹: ۱۴۰)

این تحلیل با نظریه فلسفی - تفسیری رایج که معنای اصلی عدالت را «قراردادن هر چیز در جایگاه مناسبش و یا اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود» می داند، تناسب دارد. (طباطبایی پیشین، ۱۲: ۳۳۱) با این تعریف از عدل، ظلم یعنی قراردادن هر امری در غیر جایگاه خود است. «الظلم وضع الشيء فی غیر موضعه». (صالحی مازندرانی ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۹)

### ۳-۲-۲- مبنای آمیختگی ارزش عدالت وقاعده وفای به عهد

از نظر قرآن حکمت عجین بودن قواعد با توصیه های اخلاقی، حکمتی الهی برای تامین مصالح عمومی بشر و اصلاح مفساد (غایت دین) و برآورده شدن سعادت زندگی انسان ها تفسیر گردیده است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲: ۲۳۵)

بر همین اساس در تحلیل تفسیری-فقهی از آیات مربوط به قاعده وفای به عهد، مبنای اعتبار قاعده را اراده تشریحی موصوف به وصف حکیمانه استنباط گردیده است. (شهید اول بی تا، ۱: ۳۸-۳۹، غروی تبریزی، بی تا، ۱: ۴۵) زیرا حکمت تشریح این قاعده برآوردن مصالح و دفع زیانها است. (آل سعدی، ۱۴۰۸، ۲۳۵: ۱۴۱۵، بغدادی ۱۴۱۵، ۲: ۴)

از سوی دیگر عدالت ارزش حقوقی آمیخته به این قاعده وفای به عهد در آیات الهی از جمله مفاهیمی است که دارای حسن ذاتی و عقلی بدون جعل و قرارداد (ولو شارع) است. (حلی ۱۴۱۳: ۳۱۳) بنابراین عقل قادر به ادراک حسن و قبح آن است. چنان که مفسران با تحلیل کلمه «خیر» ذیل آیه ۳۵ سوره اسراء («وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَ زُنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا») ذاتی و عقلی بودن رعایت عدالت در اجرای قاعده وفای به عهد را استنباط کرده اند. (آلوسی ۱۴۱۵، ۸: ۷۰، طباطبایی پیشین، ۱۳: ۹۱)

همچنین با تحلیل آیات الهی امر کننده بر اقامه عدالت (مانند «... فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ... وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰) در تحلیل های اصولی با عمومیتی که خطاب های عدالت محور برخوردارند، «سیره عقلایی» مرجع تشخیص مصادیق عدل و ظلم است ولو این عرف جدید باشد و پس از زمان نزول و خطاب شکل گرفته باشد. (خمینی امام) ۱۴۰۵: ۲: ۲۷۸-۲۸۷) زیرا در این نظریه مصادیق بغی ظلم و عدل عمدتاً اعتباری قلمداد گردیده اند و همین امر مبنای مراجعه به عرف می باشد.

دیگر ویژگی تشریح رعایت عدالت در آیات الهی از نظر مفسران و فقها از منزلتی با عنوان «مقصد شریعت» برخوردار است.

چنان که امر به برپایی عدالت مندرج در آیه ۲۵ سوره حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» از غایات بعثت انبیا شمرده شده است. (شیخ طوسی ۱۴۰۹، ۹: ۵۳۴)

حال با توجه به تحلیل های یاد شده مبنی بر برآوردن مصالح و دفع زیانها به مثابه هدف از تشریح قاعده وفای به عهد، ویژگی حسن ذاتی و عقلی داشتن مفهوم عدالت، «مقصد شریعت» بودن آن و بالاخره آمیختگی این دو در آیات الهی، این پرسش به میان می آید که از نظر قرآن کریم عدالت بر اساس چگونه معیار اعتبار سنجی این قاعده بنیادین نظام حقوق معاهدات است؟

پاسخ آن است که اولاً در آیات مربوط به روابط قراردادی مانند (هود/ ۸۵ «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»)، (شعراء/ ۱۸۳ «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ») با کاربرد واژه هایی مانند «قسطاس»، «مستقیم» و «قسط»، امر به رعایت عدالت به معنای «معیار سنجش» در همه قوانین (احکام الهی و قوانین بشری مورد تایید آنان) تشریح شده است. (بغدادی ۱۴۱۵، ۲: ۴۹۸)

زیرا در این آیات مناسبت بسیار شدید به عنوان شرط اساسی مورد نظر صاحب نظران (خویی ۱۴۲۲، ۵: ۱۳۰-۱۳۱) میان موضوع (عهد با مشرکان) و حکم (توازن حقوق و تعهدات) در کار است

حال ممکن است این سوال پیش بیاید که ما چه گونه بفهمیم که این مناسبت هم در کار است و هم شدید است؟ پاسخ آن است اولاً موضوع عهد عرفی است و از معاملات امضایی محسوب می‌گردد. ثانیاً مناسبت میان عهد و وفای به آن یک نوع قرینه‌ی لَبّی متصل به دلیل لفظی به شمار می‌رود. (صدر ۱۳۹۱، ۱: ۱۵۳) بنابراین ظهوری برای دلیل لفظی تشکیل می‌دهد که مبتنی بر اصل عقلایی حجیت ظواهر خواهد بود.

ثانیاً می‌توان از آیات الهی در حوزه روابط قراردادی آمیخته بر رعایت عدالت بر اساس نظریه استنباط احکام از ادله‌ی مبتنی بر اهداف و مقاصد شریعت (علیدوست، ۱۳۸۵: ۱۳۰) می‌توان چگونگی معیار بودن عدالت در اجرای این قاعده را استنباط کرد. بدین معنا که نصّ قطعی با توجه به مقصد شریعت تفسیر می‌گردد. (علیدوست، ۱۳۸۸: ۳۹۲)

از آثار عدالت محوری این قاعده از نظر آموزه های این کتاب آسمانی رعایت اصل «تناسب» را در روابط قراردادی بویژه به هنگام نقض است.

در آیه «لَا يَرْجُونَ فِي مَوْلَاهُمْ إِلَّا وَالْذَّمَّةُ وَالْأُولِيَّةُ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» (توبه/ ۱۰) خداوند سبحان ویژگی پیمان شکنی مشرکان در عهدهای خویش را با واژه (الْمُعْتَدُونَ) بیان می‌دارد. از سوی دیگر در این کتاب آسمانی در آیه (بقره/ ۱۹۴) «...فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...» (مثل با کاربرد مشتقاتی از لفظ اعتداء (کلمه «فاعتدوا») مقابله به مثل در پیمان شکنی بر اساس رعایت عدالت را تشریح می‌فرماید. به عبارت روشن تر مدلول

این آیه بر رعایت اصل تناسب در روابط قراردادی از جمله نقض متقابل دلالت دارد. (زحیلی ۱۴۱۸، ۲: ۱۸۱)

### یافته های پژوهش

در حال حاضر تحقق عدالت در روابط بین المللی با شکست مکتب پوزیتیویسم بهترین روش رساندن جوامع بشری به کمال و برقراری نظم و قانون در جامعه جهانی است. آموزه های قرآنی همواره در این حوزه عالی ترین آموزه ها را داراست و برخلاف دیدگاه پوزیتیویسم رایج به پرسش بنیادین چگونگی رابطه میان اخلاق و حقوق پاسخی مثبت همراه با راهکار مناسب ارائه داده است.

در این نوشتار اثبات گردید این نظریه قرآنی مقرر می دارد که «ارزش حقوقی» در اجرا و تفسیر قواعد ناشی از حقوق معاهدات نقش آفرین هستند و با محتوای حقوقی عهدنامه ۱۹۶۹ وین که اعتبار قاعده «وفای به عهد» را با معیار اصل کلی حقوقی «عدالت» می سنجد، سازگار است.

عدالت در روابط  
بین المللی قراردادی  
حکومت اسلامی  
از منظر قرآن

مبناسازی آموزه های اخلاقی در تبیین کارکرد این ارزش حقوقی زمینه را برای توسعه عدالت خواهی بین المللی فراهم می آورد. زیرا الزام رعایت «تناسب» در نقض متقابل و معتبر شناختن گستره تعهدات بین المللی با معیار عدالت در معنای اثباتی مضمونی حقوقی به این ارزش اعطا می کند و بر اخلاقی کردن مقررات بین المللی تاکید می ورزد.

### منابع:

#### الف منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

- آل سعدی عبدالرحمن بن ناصر تیسیر الکریم الرحمن، بیروت مکتبه النهضه العربیه ۱۴۰۸.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابدالی مهرزاد، تحلیل مفاهیم حقوقی و هنجار حقوقی، مدرس علوم انسانی، ش ۶۷، تابستان ۱۳۸۹.
- ابن عجیبه، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، حسن عباس زکی، مصر قاهره، ۱۴۱۹.
- ابن فارس، احمد، ترتیب معجم مقاییس اللغه، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.



ابن کثیر اسماعیل بن عمرو تفسیر القرآن العظیم بیروت دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون ۱۴۱۹.

اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق (۱۳۷۷.ش).  
بغدادی، علماءالدین، لباب التأویل فی معانی التنزیل، (تفسیر خازن)، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

بولانژه، ورژه «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه» ترجمه علی رضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۶، بهار ۱۳۷۶.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.  
بیگ زاده، ابراهیم، بدیع بودن «معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای» در قلمرو حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۶-۱۷، پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی ۱۴۲۲ق.

جصاص، احمد بن علی، أحكام القرآن، بیروت: داراحیا التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

حکمت‌نیا، محمود، لاضرر به مثابه نظریه در ساختار نظام فقهی و حقوقی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۱، بهار ۱۳۹۰ ش.

خسروپناه، رابطه دین و اخلاق در قرآن، مجله اخلاق و حیانی، ش ۱، پاییز ۱۳۹۱ ش.

خویی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی الاصول الفقه قم: موسسه احیا الآثار امام الخویی ۱۴۲۲ق.  
رازی (ابوالفتح) حسین بن علی روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۴۰۸.

راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

سید قاری سیدفاطمی، سید محمد، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، تحقیقات حقوقی ش ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰.

شهابی، مهدی، نیکویی، مرضیه، حقوق متفاوتی: تاملی بر نقش ارزش در فرایند ایجاد قاعده حقوقی، مجله مطالعات حقوقی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

شیخ علوان نخجوانی، نعمه الله بن محمود، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحه للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة، مصر دار ركابی للنشر، ۱۹۹۹م.

صدر سید محمد باقر بحوث فی شرح عروہ الوثقی مطبعه الآداب نجف، چ اول ج ۱۳۹۱ ق.  
ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق معاهدات بین المللی، گنج دانش، ۱۳۸۵ ش.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم ۱۴۱۷.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النبرین، تحقیق سید احمد حسینی، قم: الثقافه  
الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: أحمد حبیب قصیر  
العالمی، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.

علیدوست، ابوالقاسم، فقه و عقل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ش.  
علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول،  
۱۳۸۸ ش.

غروی تبریزی، علی، التفتیح فی شرح العروہ الوثقی، (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم  
خویی)، قم: موسسه آل البيت(ع)، چ دوم، بی تا.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،  
۱۴۱۹ق.

فضائلی، مصطفی اصل برابری در نظام ملل متحد، پژوهش های فلسفی - کلامی ش ۳ بهار  
۱۳۷۹ ص ۷۱.

فلسفی، هدایت الله، روش های شناخت حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، بهار و  
تابستان ۱۳۷۰ ش.

فیضی، ابوالفیض بن مبارک، سواطع الإلهام فی کلام الملک العلام، قم دارالمنار، ۱۴۱۷ق.  
قربان نیا، ناصر، عدالت حقوقی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (موسسه فرهنگی دانش و  
اندیشه معاصر)، ۱۳۸۱ ش.

قربان نیا، ناصر، حقوق: ترجمان اخلاق، نقد و نظر، ش ۱۳ و ۱۴، زمستان و بهار ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ش.  
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.

لگنهاوزن، محمد، مجله معرفت، اسلام و نظریات غربی در باب حقوق بشر، ش ۱۲، ۱۳۷۴ ش.

مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بیروت، دار احیا التراث، ۱۴۲۱ ق.  
محمدی، مژگان لزوم توجه به موصوف عدالت در تعریف عدالت، ش ۷-۸، پاییز و زمستان  
۱۳۸۹.

مصباح یزدی، محمد تقی دین و اخلاق، معرفت، ش ۱۳ پاییز ۱۳۸۷.  
مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت دار احیا التراث، ۱۴۲۳ ق.  
موحد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران: نشر کارنامه،  
۱۳۸۱ ش

موسوی خمینی (امام)، سیدروح الله، تهذیب الاصول القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (الرسائل  
للإمام الخمينی)/ مقرر جعفر السبحانی. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.  
میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.  
نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح البید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت دارالکتب العلمیه،  
۱۴۱۷.

یزدانی مقدم، احمدرضا، حسن و قبح و مساله عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی، مجله  
علوم سیاسی، ش ۵۰، ۱۳۸۹ ش.

## ب- منابع انگلیسی

- Abi-Saab, G, (۱۹۹۸) 'Whither the International Community?', EJIL.  
ACKRILL J.L. and J.O. URMSON, eds., Aristotle: Introduction to the  
Nicomachean Ethics (New York: Oxford University Press, ۱۹۰۰  
Bassiouni, M, Cherif (۱۹۸۹- ۱۹۹۰) A Functional Approach to General  
Principles of International Law, ۱۱ Mich. J. Int'l L.  
Bernstein, Benedict Schwedel Reading the Quranic Conception(s) of Jus-  
tice, ۹۰۰۹.  
Besson, Sammatha & Tasioulas John, The Philosophy of International  
Law, Oxford University Press, ۲۰۱۰.  
Bin Cheng, General Principles of Law: As Applied by International  
Courts and Tribunals, London: Stevens, ۱۵۵۳.  
Capps, Patrick, (۲۰۰۱), The Kantian Project in Modern International Le-  
gal Theory, ۱۲ EJIL.  
Crawford, James; Olleson, Simon (۲۰۰۰) "The Exception of Non-  
performance: Links Between the Law of Treaties and the Law of State  
Responsibility" ۲۱ Australian Yearbook of International Law.

- Cullet, Philippe, , (۱۹۹۹) “Differential Treatment in International Law: Towards a New Paradigm of Interstate Relations” ۱۰ EJIL.
- Dupuy, Pierre-Marie. (۱۹۹۹) ‘The Danger of Fragmentation or Unification of the International Legal System and the International Court of Justice’, ۳۱ NYU J Int’l L and Politics.
- Ellis, Jaye,(۲۰۱۱) General Principles and Comparative Law , ۲۲ EJIL.
- Evans, Carolyn. “The double-edged sword: Religious Influences on International Humanitarian law”, ۱ Michigan Journal International Law, ۵۰۰۵.
- Finnis, J (۲۰۱۴) What is the Philosophy of Law? ۹۹ Am. J. Juris.
- Goldsmith Jack L. and Posner Eric , The Limits of International Law, Oxford University Press, ۵۰۰۵.
- Gourgourinis, Anastasios ( ۲۰۱۱) Genera /Particular International Law and Primary /Secondary Rules, ۱۲ The EJIL.
- Guzman , Andrew, How International Law Works: A Rational Choice Theory , ۲۰۰۸.
- Hart.H. L. A. The Concept of ‘Law’ Oxford: Oxford University Press,(۲d ed) ۱۹۹۴
- ICJ Reports, south West Africa. Diss. Op Tanaka, Second Phase, Judgment, ۱۹۹۶.
- ILC, ‘Second report on State responsibility, by Roberto Ago, Special Rapporteur – the origin international responsibility’ [۱۹۷۰] II YbILC.
- Jennings, Sir Robert Y.: Treaties, in Bedjaoui, Mohammed (ed.): International Law: Achievements and Prospects , Martinus Nijhoff Publishers, ۱۹۹۱.
- Kammerhofer , Jörg D’Aspremont Jean (ed) International Legal Positivism in a Post-Modern World Cambridge University Press, ۲۳۱۳.
- Kelsen What is Justice?: Justice, Law, and Politics in the Mirror of Science University of California Press, ۱۵۵۷
- Kennedy David ‘A New World Order: Yesterday, Today, and Tomorrow’, Transnational Legal and Contemporary Problems, ۱۹۹۴
- Kingsbury, Benedict, (۲۰۰۹), The Concept of ‘Law’ in Global Administrative Law, ۲۰ EJIL.
- Mitrophanous, Eleni, “Soft Positivism” in Oxford Journal of Legal Studies, Vol, ۱۷ ۹۹۷.
- Payandeh, Mehrdad, (۲۰۱۰), “The Concept of International Law in the Jurisprudence of HLA Hart”, ۲۱ EJIL.
- Ratner and Slaughter, (۱۹۹۹) ‘Appraising the Methods of International Law: A Prospectus for Readers’, ۹۳ AJIL.
- Shapiro, Scott Legality Cambridge, MA: Harvard University Press, ۲۰۱۰.